

هفتاد سال پس از استالینگراد

به نقل از نشریه کارگر ارگان رسمی حزب کمونیست سوئد (م.ل)

مترجم: پیام پرتوی

<http://mariosousa.se/130202%2070%20%C3%A5r%20Stalingrad.htm>

در ۲ فوریه ۱۹۴۳ تا مانده نیروهای نظامی آلمان محاصره شده در استالینگراد تسلیم شدند. پیروزی کامل اتحاد جماهیر شوروی بر بهترین نیروهای برگزیده هیتلر به یک واقعیت مبدل شده بود.

ارتش اتحاد جماهیر شوروی برای دومین بار متوالی به جهان نشان داد که مغلوب نمودن نازیها امکان پذیر بود. جهان در نبرد بزرگ مسکو شکست نیروهای نظامی نازیها و عقب نشینی اجتناب ناپذیر آنان را تا صدها کیلومتر مشاهده نموده بود. در آنزمان انسانهای عاشق آزادی امید تازه ای برای شکست کامل نازیها بدست آورده بودند. پیروزی در استالینگراد آن امید بود!

از پیش از ۳۱ ژانویه ۱۹۴۳ بزرگترین لشکر آلمانی در استالینگراد با مارشال فون پاولوس در راس آن تسلیم شده بود. در استالینگراد در مجموع ۲۴ ژنرال ۱۰۰۰۰ افسر و بیش از ۸۰۰۰۰ سرباز آلمانی به اسارت گرفته شده بودند.

نبرد استالینگراد در ۱۷ ژوئن ۱۹۴۲ آغاز شد. جنگی وحشتناک در جبهه ای تا ۸۰۰ کیلومتر ارزیابی شده در هر دو طرف تقریباً ۲ میلیون سرباز برای بقای خود میجنگیدند. نازیها به منظور در هم شکستن دیوار دفاعی شورویها تمام دارایی خود را سرمایه گذاری نموده بودند.

نیروهای نظامی آلمان به تبلیغات نازیها در مورد پیروزی بر مردم عقب مانده شوروی و منابعی که جهت بدست آوردن وجود داشت ایمان کامل داشتند. در سمت مقابل سربازان شوروی در مبارزه ای ویرانگر برای آزادی و کشور سوسیالیستی میجنگیدند.

نبرد استالینگراد زمانی رخ داد که شوروی به تولید تجهیزات جنگی روی آورده بود. تولید همه نوع سلاح جنگی ضروری با بهترین کیفیت به بالاترین میزان خود دست یافته بود بخشهای جدیدی تاسیس و سربازان و افسران تجربیات جنگی کسب نموده بودند.

هیچ سرمایه داری قادر به درک توان موجود در سوسیالیسم نیست.

اتحاد جماهیر شوروی در زمان استالینگراد برای هیتلر ژنرالهای نازی و سرمایه داران در غرب شوروی بود در حال نابودی. بهترین ارزیابی توسط ژنرال فرمانده در اکتبر ۱۹۴۲ ارائه شد. "روسها خودشان در جریان درگیریهای اخیر بشدت تضعیف شده اند و به میزان زمستان ۴۳/۱۹۴۲ نیروهای نظامی در اختیار ندارند."

ژنرال یودل' رئیس عملیات دفتر فرماندهی آلمان در نورمبرگ شهادت داد: "ما از توان نیروهای نظامی شوروی در آن منطقه مطلقاً هیچ تصویری نداشتیم. در گذشته در آنجا چیزی وجود نداشت' اما ناگهان حمله شدیدی انجام شد که اهمیت بسزایی پیدا کرد."

ژنرال یودل در مورد حمله شوروی که در ۱۹ نوامبر آغاز شد صحبت میکند. نیروهای نظامی شوروی با حمله ای گسترده و بسیار موفقیت آمیز بر علیه جناحین ارتش نازیها آنها را متلاشی و کلیه نیروهای آلمانی را در استالینگراد' ارتش ششم و بخشهایی از چهارم' تانکهای ارتش' در مجموع ۲۲ لشکر' تقریباً ۳۳۰۰۰۰ نفر' را به محاصره خود درآورده بودند.

در جریان حمله بر علیه جناحین' نیروهای نظامی مجاری رومانیایی نابود و کاملاً متلاشی شدند. در توپره فون پائولوس و بقیه سربازان باقی مانده بودند. آنها برای نجات خود از حصر' اما بدون نتیجه' ماهها تلاش نمودند. هیتلر بمنظور نجات فون پائولوس از محاصره ارتش شوروی ۲۷ لشکر جدید نظامی را اعزام نمود. اما مشکل حل نشد. نیروهای نظامی شوروی کاملاً آماده بودند' آنها تلاشهای هیتلر را برای آزاد نمودن نیروهای گرفتار در محاصره از دو سو متوقف نمودند.

شکست آلمان در استالینگراد یک فاجعه بود. میزان تجهیزات از دست رفته نظامی آلمان در این جنگ با شش ماه تولید تجهیزات نظامی کشور مطابقت مینمود. هیتلر در آلمان سه روز عزای عمومی اعلام کرد. این شکست از نظر سیاسی نیز برای نازیها نابود کننده بود.

ژاپن از جنگ بر علیه اتحاد جماهیر شوروی دست برداشت. مجارستان و رومانی مذاکرات صلح مخفیانه را با آمریکا و انگلیس آغاز نمودند' موسولینی به هیتلر پیشنهاد چشم پوشی از جنگ در شرق را ارائه داد و ترکیه خود را بیطرف اعلام نمود. انفکاک اتحاد نازیستی - فاشیستی آغاز شده بود.

با پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در استالینگراد جنبشی جدید و شجاع بر علیه نازیسم و فاشیسم در سراسر جهان براه افتاد. انسانهای عاشق آزادی برای مبارزه بپاخواستند' عبارت "استالینگراد" مانند شعاری برای مبارزه' برای پیروزی' دهان به دهان چرخید.

از آمریکا و انگلیس از جانب پرزیدنت روزولت و چرچیل پیامهای تبریک ارسال شدند. روزولت برای استالینگراد دیپلم افتخاری را با این متن' مبارزه در استالینگراد " کلیه اعمال انسانهای آزاد را برای همیشه تحت تأثیر خود قرار خواهد داد" ارسال نمود و بر این امر صحه گذارد که استالینگراد "در جنگ متفقین بر علیه نیروهای تجاوزگر چرخشی ایجاد نموده بود."

چرچیل شمشیر متعلق به جرج ششم را با این کتیبه "به شهروندان استالینگراد' محکم مانند فولاد' از پادشاه جرج ششم بعنوان سندی بر ستایش عمیق مردم انگلیس" به استالین هدیه داد.

قدردانی غرب از اتحاد جماهیر شوروی پایان ناپذیر بود. پیروزی بدست آمده توسط اتحاد جماهیر شوروی یک پیروزی برای تمام جهان بود.

با گذشت زمان اما قدردانی غرب' پس از بدست آمدن پیروزی قطعی' بیپایان رسید. کارزارها از آن پس بر علیه اتحاد جماهیر شوروی گسترده بوده اند. اکاذیب ستون روزنامه ها' تلویزیونها و رادیوها را پر کرده اند و تمام اینها برای اینکه از اهمیت پیروزی اتحاد جماهیر شوروی کاسته و آنرا نابود سازند.

یکی از اولین افسانه های ارائه شده از جانب جهان سرمایه داری این است که پیروزی اتحاد جماهیر شوروی بر آلمان نازی به دلیل ارسال سلاحهایی بود که از جانب انگلیس و آمریکا فرستاده شدند. یقیناً این سلاحها مفید بودند و از آنها بخوبی استفاده شد اگر چه فقط ۴ درصد از تجهیزات شوروی را تشکیل میدادند. اتحاد جماهیر شوروی پول آنها پرداخت کرد و از یاری آنها سپاسگزاری نمود.

اما رسانه های خبری سرمایه داری از کمکهای تسلیحاتی به نازیهای آلمان چیزی نمیگویند. این امر موردیست ناآشنا برای اغلب مردم. در جریان جنگ جهانی دوم در آلمان نازی چندین کارخانه اسلحه سازی متعلق به شرکتهای آمریکایی که شبانه روز برای ارائه آنچه چیزی که ارتش آلمان به آن نیاز داشت کار میکردند وجود داشت. از سلاحهای گرم تا مهمات توپها موتورها تا هواپیماها و تانکها کامیونها و اتوموبیلها بله هر چیزی که برای برآوردن جنگ مورد نیاز است.

این تجهیزات عمدتاً بر علیه اتحاد جماهیر شوروی مورد بهره برداری قرار گرفتند اما در جنگ بر علیه فرانسه و بعدها بر علیه آمریکا و انگلیس زمانیکه این کشورها جبهه دومی را بر علیه آلمان نازی در فرانسه ۱۹۴۴ باز نموده بودند نیز استفاده شدند. ما از شرکتهایی مانند آی تی تی 'فورد' جنرال موتورز' استاندارد اوایل صحبت میکنیم. این فعالیتها در تطابق کامل با قوانین آمریکا بود.

در ۱۳ دسامبر ۱۹۴۱ شش روز پس از حمله ژاپن به پرل هاربر و چهار روز پس از اعلام جنگ هیتلر بر علیه آمریکا پرزیدنت روزولت فرمانی را "معامله با قانون دشمن" که معامله با دشمن را مجاز اعلام میکرد صادر نمود. سودهای حاصل از کارخانجات آمریکایی در آلمان به بانک بین المللی بیس واقع در سوئیس پرداخت میشدند آنها نیز به نوبه خود به شرکتهای آمریکایی پرداخت میکردند. در یک کلام سرمایه داری این است.

پیروزی استالینگراد با توجه به تمام مشکلات و بر علیه تمام سرمایه داران یک پیروزی برای سوسیالیسم بود. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان داد که سوسیالیسم یک سیستم برتر اجتماعی است سیستمی که انسان زحمتکش را آزاد و آینده و رهایی را به آنها ارائه میدهد.

ماريو سوزا

۲۰۱۳۰۲۰۲

70 år Stalingrad!

Den 2:a februari 1943 gav de sista tyska trupperna inringade vid Stalingrad upp. Sovjetunionens fullständiga seger över Hitlers bästa elittrupper var ett faktum. För andra gången i rad visade den sovjetiska armén världen att det gick att besegra nazisterna. Vid det stora slaget om Moskva fick världen se de nazistiska arméerna bli besegrade och tvingas retirera hundratals kilometer. Nu fick de frihetsälskande folken i världen ett nytt hopp om nazisternas kompletta nederlag. Segern vid Stalingrad var hoppet!

Redan den 31 januari 1943 hade den största gruppen tyskar i Stalingrad gett upp med den tyska generalfältmarshalken von Paulus i spetsen. Sammanlagt gav sig till fånga i Stalingrad 24 tyska generaler, 10.000 officerare och drygt 80.000 soldater.

Slaget om Stalingrad startade 17 juni 1942, ett fruktansvärd krig i en front på upp till 800 kilometer där, både sidor inräknade, cirka två miljoner soldater slogs för sina liv. Nazisterna satsade allt för att bryta ner det sovjetiska försvaret. De tyska trupperna var fyllda av tron på den nazistiska propagandan om segern över de sovjetiska undermänniskorna och de rikedomar som fanns att erövra. På andra sidan kämpade de sovjetiska soldaterna i en desperat kamp för frihet och det socialistiska fosterlandet.

Slaget om Stalingrad kom vid tiden när Sovjetunionen helt ställts om till krigsproduktion. Produktionen av alla nödvändiga vapen av högsta kvalitet hade nått rekordnivåer, nya divisioner hade bildats, soldater och officerare hade fått krigserfarenhet. De krafterna som finns i socialismen kan ingen borgare förstå. För Hitler, de nazistiska generalerna och borgarna i världen var Sovjetunionen vid tiden för Stalingrad, ett land på väg till undergång. Bäst återges det i den bedömning som gjordes av det tyska generalkommandot i oktober 1942. ”Ryssarna själva har under de senaste striderna allvarligt försvagats och kommer inte under vintern 1942/43 att förfoga över så stora styrkor som de hade under förra vintern”. Generalen Jodl, operative chef vid det tyska högkvarteret vittnade i Nürnberg, ”Vi hade absolut ingen föreställning om de ryska truppernas styrka i den här regionen. Tidigare fanns där ingenting alls, men helt plötsligt utfördes ett anfall med stor kraft som fick avgörande betydelse”.

Generalen Jodl pratar om den sovjetiska kontraoffensiven som startade 19:e november. Med en massiv och väl lyckad attack mot de nazistiska arméernas flanker kunde de sovjetiska trupperna slå ut dem och inringa hela den tyska styrkan vid Stalingrad, den tyska 6:e armé och delar av den 4:e stridsvagnsarmén, sammanlagt 22 divisioner, cirka 330000 man. Vid attacken mot flankerna blev de rumänska och ungerska arméerna fullständig decimerade och upphörde att existera. In i säcken fanns von Paulus och de tyska trupperna. I flera månader kämpade de för att bryta inringningen utan framgång. Hitler skickade en ny armé på 27 divisioner, därav 5 pansardivisioner, för att hjälpa von Paulus styrkor hur den sovjetiska inringningen. Men ingenting hjälpte. De sovjetiska trupperna var välförberedda, en dubbelring av sovjetiska arméer slog tillbaks Hitlers försök att frita trupperna i säcken.

Det tyska nederlaget vid Stalingrad var katastrofalt. Det tyska krigsmaterialet som gick förlorat motsvarade sex månader av tysk krigsproduktion. I Tyskland utlöste Hitler en tredagars landsorg.

Även politiskt var nederlaget i Stalingrad förödande för nazisterna. Japan drog sig ur varje krigshandling mot Sovjetunionen. Ungern och Rumänien började hemliga fredsöverläggningar med USA och England, Mussolini föreslog Hitler att avstå från kriget i öst och Turkiet förklarade sig neutralt. Det nazi-fascistiska blocket började splittras.

Den sovjetiska segern i Stalingrad satt i gång en ny modig rörelse mot nazismen och fascismen över hela världen. Frihetsälskande människor reste sig i kampen, ordet ”Stalingrad” gick från mun till mun som en paroll för motstånd, för seger.

Från USA och England kom stora gratulationer från president Roosevelt och Churchil. Roosevelt skickade en hedersdiplom till Stalingrad där han förklarade att kampen i Stalingrad ”för alltid kommer att inspirera alla fria människors handlingar” och slog fast att Stalingrad ”utgjorde vändningen i de allierade ländernas krig mot aggressionens styrkor”. Churchil lämnade en svärd

till Stalin från Storbritanniens Georg VI med inskriptionen ”Till Stalingrads medborgare, starka som stål, från kungen Georg VI som ett bevis för det brittiska folkets djupa beundran”.

Västs tacksamhet mot Sovjetunionen ville aldrig ta slut. Den seger som Sovjetunionen vann var en seger för hela världen.

Tiden gick och västs tacksamhet efter det att den slutgiltiga segern var vunnen tog snart slut. Kampanjerna mot Sovjetunionen har sedan dess varit omfattande. Lögner fyller tidningsspalter, tv och radion. Allt för att förminska och omintetgöra den sovjetiska segern. En av de första myterna som lanserades av den kapitalistiska världen var att till stor del segrade Sovjetunionen över Nazityskland på grund av vapen som USA och Englands skickade till Sovjet. Nog var dessa vapen välkomna och användes väl, även om de enbart utgjorde 4% av den sovjetiska krigsmaterial. Sovjetunionen betalade allt till sista dollar och tackade för hjälpen.

Men få ord, inga alls egentligen, säger de borgerliga massmedierna om USA vapenhjälp åt Nazityskland. Okänd ämne för de flesta. Under hela andra världskriget fanns i Nazityskland många stora fabriker av krigsmaterial ägde av USA företag, vilket arbetade dygnet runt för att förse den tyska armén med allt den behövde. Från handeldvapen till ammunition, kanoner, motorer till flygplaner och tanks, lastbilar och bilar, ja, allt som behövs för att göra ett krig. Detta krigsmaterial användes främst mot Sovjetunionen men den kom även till användning i kriget mot Frankrike och senare mot USA och England när dessa länder öppnade en andra front mot Nazityskland i Frankrike 1944. Vi pratar om företag som ITT, Ford, General Motors, Standard Oil. Verksamheten var helt lagligt enligt USA:s lagar.

Den 13 december 1941, 6 dagar efter Japans attack på Pearl Harbor och 4 dagar efter Hitlers krigsförklaring mot USA, skrev President Roosevelt under ett dekret ”Trading With the Enemy Act” som tillät handeln med fienden. Vinsten i USA:s fabriker i Nazityskland betalades till den internationella banken BIS med säte i Schweiz som i sin tur betalade till företagen i USA. Det är kapitalismen i en nötskall.

Segern i Stalingrad var en seger för socialismen. Mot alla odds och mot alla kapitalister. Den socialistiska Sovjetunionen visade att socialismen är ett överläggt samhällssystem, ett system som befriar den arbetande människan och ger den frihet och framtid.

Mario Sousa

130202